

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ جولای ۲۰۱۸

"سلما" قربانی کاروان مرگ "غنی احمدزی"



چهارشنبه- ۱۳ سرطان ۱۳۹۷ - کابل: خواندیم و شنیدیم که کاروان موترهای زرهی که "غنی احمدزی" رئیس جمهور دولت دست نشانده را محافظت، همراهی و مشایعت می نمودند، با زیر گرفتن یک دخترک ماست فروش که ده سال داشت، به تعداد قربانیان این مسافرت یکی دیگر نیز افزود.

وقتی این خبر را خواندم، نخست نمی توانستم باور کنم که یک چنین حادثه دلخراشی بتواند به وقوع بپیوندد، حتا عکسهائی که اینجا و آنجا نیز پخش گردید نتوانست قناعتم را فراهم سازد صبر کردم تا ببینم مقامات رسمی دولت دست نشانده در مورد چه می گویند، آیا وقوع واقعه را تصدیق می دارند و یا خیر؟ سرانجام امروز خواندم که شخص والی ولایت لغمان هم اذعان داشته است که یک دخترک ده ساله از طرف کاروان موترهای همراه رئیس جمهور دولت دست نشانده به قتل رسیده است.

تا جایی که از لابه لای مطالب اخبار و جراید بر می آید "سلما" دخترک ده ساله تنها نان آور خانواده شان در مهترلام مرکز ولایت لغمان بود. او مثل همیشه صبح زود خمره و یا ظرف ماستی را که مادرش آماده می ساخت بر سر گذاشته، به بازار انتقال می داد. تا در فضای گرم مرکز ولایت، خریداران که عمدتاً دکانداران بازار می باشند، با خریدن مقداری ماست و دوغ ساختن آن در نان چاشت، دوغ بادرنگ خود را داشته باشند. آنچه او نمی دانست این بود که امروز مانند روز های دیگر نیست، نه این که ماستش چپه و یا ترش و فاسد شده کسی آن را نخرد، بلکه امروز

روزی بود که عمر خود این گل نارس بوستان مصیبت و ماتم، در زیر چرخهای آهنین ضحاک های زمان، این نوکران خود فروخته و مزدور امپریالیسم خاتمه می یابد.

پدر پیرو بیمار "سلما" و مادرش که مصیبت نداشتن فرزند نرینه را در جامعه مرد سالار سالها به دوش کشیده و تنها "سلما" شیر دخترش را داشت که با جود مشکلات عنعنه ئی و عقب مانده که حکم در خانه زندانی ساختن دختر به آن سن و سال را صادر نموده است، به بازار می فرستاد، وقتی به جای دختر و نان آور خانواده با جسد بیجان و پیکر خون آلود وی روبه رو می شود، چه می تواند گفته باشد و چه آرزو نموده بود.

هموطن تو خود را به جای چنین مادری قرار داده، هرگاه مخالف این دعا های بدوی هستی و فکر می کنی چیزی دیگری را آرزو نموده، می توانی برایم بنویسی تا من هم برداشتم را اصلاح نمایم. به نظر من آن مادر چنین گفته:

* الهی تخت و بخت غنی را سرچپه کن!

* الهی همین قسم جسد دختر خودش را به پشت دورازه اش برسان!

* الهی این سفر را سفر آخر غنی بگردان!

* "الهی شیرین دلته گورکنی"

* ایکاش یک کلاشینکوف می داشتم تا غنی و اولادش را در پهلوی دخترم می خوابندم!

*- و ..

هموطنان!

این یک حادثه ترافیکی ساده نیست که همه روزه در چهار گوشه جهان و در همین ملک خود ما اتفاق می افتد، این تفرعن استعماری است که حیات انسان در کشور های مستعمره را فاقد ارزش می سازد. ایادی استعمار می رانند و می رانند و هیچ پروائی ندارند هرگاه حین راندن به هزاران "سلما" را زیر بگیرند که گرفته اند. آنها آنقدر خودخواه، مغرور و غرق در جنایت اند که حتا یک توقف و پوزش عادی را نیز از قربانی دریغ می دارند تا چه رسد به توجه جهت دوام زندگی آنها.

دیده شود چه می شود!!